

بررسی تطبیقی حبس در منزل در قوانین ایران، فرانسه و افغانستان

محمد مهدی یوسفی^۱

چکیده

مجازات زندان جزء شایع‌ترین و پرهزینه‌ترین ضمانت اجرا در سیاست کیفری محسوب می‌شود. این در حالی است که مجازات مزبور در تأمین اهداف حقوق کیفری از جمله بازدارندگی و اصلاح مجرمین چندان موفق عمل نکرده لذا از یکسو، اصلاح رژیم زندان و از سوی دیگر یافتن جایگزین‌های مناسب همواره مورد توجه سیاست‌گذاران کیفری بوده و امروزه در قالب مجازات‌های اجتماعی یا مجازات‌های جایگزین حبس تجلی یافته است که با اعمال آن نسبت به برخی از جرائم و نیز مجرمین خاص می‌توان در اقتصادی کردن مجازات و انسانی نمودن آن کمک نمود. ضمن اینکه اعمال محدودیت نسبت به محکومان کم‌خطر با اصول بشردوستانه هم تطابق بیشتری دارد. حبس در منزل یکی از مصادیق مجازات جایگزین حبس از تورم جمعیت کیفری زندان کاسته و در نتیجه از هزینه نگهداری زندانیان می‌کاهد از این رو قانون‌گذاران بسیاری از کشورها از جمله قانون‌گذاران فرانسه، ایران و افغانستان به این مهم توجه نموده و در قوانین کیفری با در نظر گرفتن شرایطی این ضمانت اجرا را پذیرفته‌اند. البته این به این معنا نیست که ضمانت اجرای مورد نظر فاقد اشکال است.

کلیدواژه‌ها: حبس در منزل، شیوه نظارت، ضمانت اجرا، نقاط قوت، اشکالات، فرانسه، ایران، افغانستان

^۱. دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفیٰ العالمیه خراسان

نمی‌توان تردید نمود که مجازات حبس از دیرباز به‌عنوان مجازات مطرح بوده تا جایی که رده‌های از آن در عهد باستان هم دیده می‌شود. لکن به دلیل استفاده محدود در ردیف مجازات‌های شایع آن زمان به‌حساب نمی‌آید. بلکه مجازات شایع در آن زمان کیفرهای شدید بدنی مانند اعدام و... بوده است. با این وجود این مجازات به‌تدریج و باگذشت زمان به‌خوبی جای خود را در نظام کیفری باز نمود. امروزه جزء مجازات مهم و اصلی در نظام‌های کیفری بسیاری از کشورها محسوب می‌شود. لذا این پندار که ضمانت اجرای کیفر حبس محصول زندگی اجتماعی مدرن است، دور از اندیشه نیست.

در ابتدا کیفر حبس به‌عنوان مجازاتی جایگزین مجازات‌های شدید بدنی علی‌رغم وضعیت نامناسب و رقت‌بار زندان‌ها به لحاظ تعدیل شکل مجازات بسیار امیدوارکننده بود. اما به‌مرور زمان به دلایل مختلف از جمله عدم توجه به وضعیت زندان‌ها در نتیجه بالا رفتن آمار زندانیان و نیز پدیده حرفه‌ای شدن مجرمان این امیدواری کم‌کم به یاس تبدیل شد. این در حالی بود که زندان حدود دو سده به حیات و تکامل خود ادامه داد. در این مدت ادعا می‌شد که زندان توانایی اصلاح و درمان مجرمین را دارد. باوجود مخالفین از جمله طرفداران پست‌مدرنیسم (محمود، هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۳، ۳۸) هنوز زندان به حیات خود ادامه داده و در تفکر بسیاری از افراد معادل عدالت کیفری تلقی می‌شود.

اما همان‌طوری که ایرادات موجود در مجازات‌های بدنی موجب اقبال و روی‌آوری به زندان گردید؛ امروزه معایبی که زندان برای متهمین و مجرمین دارد اندیشمندان حقوق کیفری به تکاپو برای پیدا نمودن جایگزین آن انداخته و مجازات اجتماعی یا جایگزین‌های حبس را به‌عنوان جایگزین زندان از تعلیق گرفته تا حبس در منزل ارائه نموده است. حبس در منزل به‌عنوان مصداقی از مجازات‌های جایگزین در حقیقت مجازات بینابین است که خصیصه رنج‌آوری آن تنبیهی‌تر از تعلیق مراقبتی و پایین‌تر از زندان است. سیاست‌گذاران کیفری بسیاری از کشورها قانون‌گذاران فرانسه، ایران و افغانستان به این امر توجه ویژه نموده لکن که نباید انتظار داشت که آنان رویکرد یکسانی نسبت به موضوع موردنظر داشته باشند.

از این‌رو تلاش می‌شود در این مقاله به بررسی تطبیق حبس در منزل یا نظارت الکترونیکی از نگاه قانون فرانسه، ایران و افغانستان پرداخته شود. لذا ابتدا مباحثی مانند مفهوم، شرایط و اهداف حبس در منزل مطرح و در بخش دیگر اقسام نظارت و ضمانت اجرای آن مورد بررسی قرا خواهد گرفت و سرانجام هم امتیازها و اشکالات این بحث مورد کنکاش واقع می‌شود.

۱- مفهوم، تاریخچه، اهداف و شرایط حبس در منزل

۱-۱. مفهوم

قبل از اینکه به بیان مفهوم حبس در منزل بپردازیم لازم است این نکته را یادآور شد که نسبت به حبس خانگی یا به تعبیری حبس در منزل و نظارت الکترونیک دو رویکرد وجود دارد. یک رویکرد این‌همانی آن دو است به این معنا که حبس در منزل همراه با نظارت الکترونیکی یک ضمانت اجراست که جایگزین حبس گردیده است. لذا بر طبق این رویکرد نظارت الکترونیکی در حقیقت یک نوع شیوه اجراست. لکن رویکرد دیگر این است که از یکسو، تنها حبس در منزل نیست که مجرم از طریق نظارت الکترونیکی کنترل شود، بلکه در مواردی مثل عدم خروج مجرم از محدوده مکانی خاص مانند منطقه خاص، یا حتی شهر خاص، نیز کنترل مجرم توسط ابزار الکترونیکی صورت می‌گیرد.

از سویی دیگر کنترل مجرم در حبس خانگی تنها به واسطه‌ی لوازم الکترونیکی صورت نمی‌گیرد بلکه ممکن است مراقبت از مجرم با حضور فیزیکی مددکار اجتماعی انجام شود. لذا حبس خانگی و نظارت الکترونیک دو ضمانت اجرای مستقل محسوب می‌شود. این اختلاف دیدگاه باعث شده که برخی عنوان حبس خارج از زندان را برای موارد فوق مناسب‌تر بدانند. (کوثر، دانشور وزیری؛ محمدعلی، حاجی ده آبادی، ۱۳۹۷، ۷۲) تا هم حبس خانگی را شامل شود و هم اعمال محدودیت عدم خروج از محدوده مکانی خاص که در هر دو مورد می‌شود متهم را با ابزار الکترونیک تحت کنترل قرار داد. لذا مفهوم حبس خانگی یا به تعبیری حبس در منزل عبارت است از «ضمانت اجرای محدودکننده‌ای که از تحمیل منع رفت‌وآمد شبانه تا حبس در منزل در ساعات غیر کاری مجرم را دربر می‌گیرد.» (محمد، آشوری، ۱۳۸۲، ۳۹۱؛ ابوالقاسم، شمس‌زاده علوی، بی‌تا، ۵)

۱-۲. تاریخچه

حبس خانگی در حقیقت یادآور موسسه‌های اصلاحی و تربیتی است که در دهه‌ی ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ در آمریکا بکار گرفته می‌شد در این مقطع زمانی زندان‌ها برای زندانیان به اندازه‌ای زیان‌بار بود که تا حد امکان می‌بایست با مراکز اصلاح و تربیت و خانه‌های نیمه‌راهی جایگزین می‌شدند. (محسن، محدث، ۱۳۸۸، ۴۸) اما دهه‌ی ۱۹۸۰ را می‌توان به دهه‌ی پیشرفت سریع سیستم حبس خانگی در سیاست کیفری در آمریکا و اروپا تلقی کرد (نیما شاه‌کرمی، ۱۳۹۲، ۲) طبیعی است که این ضمانت اجرا در ابتدا بسیار محدود بود به مرور زمان این جایگزین رشد نموده و پربارتر شد تا جایی که در سال ۱۹۹۳ بزرگ‌ترین برنامه در ایالت فلوریدا اجرا شد که در آن بیش از ۱۳ هزار مجرم در حبس خانگی بودند و با وسایل الکترونیکی از آنان مراقبت می‌شد.

این در حالی است که تا سال ۱۹۸۲ در هیچ یک از ایالت‌های آمریکا از محبوسان خانگی با ابزار الکترونیکی مراقبت نمی‌شد و در سال ۱۹۸۶ در هفت ایالت و در سال ۱۹۹۰ این امکان برای پنجاه ایالت فراهم شد که محکومان به حبس خانگی را از طریق ابزار الکترونیکی مراقبت کنند. از این رو برخی معتقدند که حبس در منزل ضرورتاً با مراقبت الکترونیکی همراه نیست. (محمد، آشوری، همان)

بنابراین بایستی اذعان داشت که مجازات‌های اجتماعی یا به تعبیری مجازات جایگزین، مثل حبس در منزل هر چند خواستگاه آن به شکل امروزی آمریکا و غرب بوده لکن مجازاتی است که در کشورهای مزبور دارای سابقه چندان طولانی نیست. این در حالی است که در حقوق کیفری اسلام از همان ابتدای بعثت پیامبر ﷺ احکامی شبیه حبس در منزل مانند نگهداری زنان بدکاره (زنانی که مرتکب زنا می‌شدند) در منزل و عدم اجازه خروج، آنان تا زمانی که مرگ آنان فرا برسد به چشم می‌خورد. (محمد، سپهری، ۱۳۷۳، ۲۷) شاهد بر این ادعا آیه ۱۵ سوره نساء است خداوند فرموده (وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا) برعکس غرب، طبق یک ادعا در ایران این نوع مجازات دارای سابقه بسیار طولانی است. بر اساس ادعای اخیر ایرانیان باستان پیش از اسلام حبس خانگی را می‌شناختند. و پادشاهان آن عصر به‌عنوان وسیله‌ای برای سرکوب نمودن افراد یا خنثی‌سازی توطئه اطرافیان از این حربه استفاده می‌کردند. به‌عنوان مثال خسرو پرویز در مدت ۳۸ سال سلطنت خود مانع ازدواج پسران خود شد و آن‌ها را در بابل در حبس خانگی نگه می‌داشت و بر آن‌ها مراقب گذاشته بود تا از آنجا بیرون نروند و هیچ زنی به آن‌ها نزدیک نشوند. (محمد ابن جریر، طبری، بی‌تا، ۲، ۱۱۴) در اینکه آیا موارد این‌چنینی که در مقاطع خاص در کشوری رخ داده را می‌توان به‌عنوان یک موضوع نظام‌مند که امروزه به‌عنوان یک ضمانت اجرای کیفری در بسیاری از کشورها پذیرفته شده قلمداد کرد یا نه؟ به نظر بعید است که آن را به‌عنوان یکی از مجازات‌های اجتماعی که امروزه جای خود را در حقوق کیفری بسیاری از کشورها باز نموده شناخت.

سابقه بحث حبس در منزل در حقوق کیفری ایران به برخی از تصمیمات دادگاه اطفال باز می‌گردد. به‌عنوان مثال شعبه ۲۱۰۲ دادگاه عمومی تهران طی دادنامه شماره ۱۷۵ در سال ۱۳۷۹ به مجازات حبس در خانه حکم داد. که انتقادات تندی را به دنبال داشت و همین امر سبب کند شدن و جلوگیری از صدور چنین آراییی شد. لکن بدون تردید صدور چنین آراییی به تدریج موجبات ظهور نهاد حبس خانگی را در قانون مجازات اسلامی و قبل از آن در لایحه‌ای مجازات‌های اجتماعی فراهم نمود. در نظام حقوقی

ایران حبس در منزل اولین بار در تبصره ماده ۱۴ لایحه‌ای موسوم به لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان به حبس خانگی پرداخته شد لکن این لایحه از سوی مجلس شورای اسلامی به تصویب نرسید اما برخی از مواد آن در فصل نهم و دهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ گنجانده شد. لذا در حال حاضر ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی و تبصره ۲ ماده ۸۹ همین قانون مبنای حبس خانگی در نظام حقوق ایران محسوب می‌شود. که در آینده به تفصیل به آن‌ها خواهیم پرداخت.

اما این نهاد یعنی حبس خانگی در نظام حقوقی فرانسه از سابقه طولانی تری برخوردار است این کشور با الهام گرفتن از کشور آمریکا و انگلیس اولین بار در ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۵ اولین نسل از مجازات‌های جایگزین را وارد قانون موضوعه خود نمود. سپس در قانون ۱۰ ژوئن ۱۹۸۳ مصادیق دیگری را بر آن افزود، مواردی از قبیل کار عام‌المنفعه، جزای نقدی روزانه و... همچنین قانون جزای فعلی مصوب ۱۹۹۴ که همان موارد گذشته را به صراحت پذیرفته، لکن نکته قابل توجه اینکه در قانون اخیر قانون‌گذار این کشور برخلاف مصادیق دیگری جایگزین تصریح به حبس در منزل یا نظارت الکترونیکی نداشته که در جای خود به تفصیل نسبت به آن پرداخته می‌شود. لکن فی‌الجمله بایستی اذعان نمود که در قانون این کشور اعم از قانون جزا و آیین دادرسی مجازات حبس در منزل یا نظارت الکترونیکی به‌عنوان مجازات جایگزین حبس پذیرفته شده است.

در قانون اجراءات جزایی افغانستان مصوب ۱۳۸۲ قانون‌گذار ماده ۸۶ قانون مزبور را به مجازات بدیل حبس اختصاص داده و مقرر نموده «۱- خارنوال صلاحیت دارد امر تطبیق مجازات بدیل حبس را با نظر داشت احکام فقره ۲ ماده ۸۵ به امر پولیس محل صادر نماید ۲- پلیس مکلف است وقتاً فوقتاً از عملکرد محکوم علیه نظارت نموده، گزارش آن را به خارنوال مربوط ارائه نماید ۳- در صورتی که محکوم علیه مخالف دساتیر محکمه عمل نموده باشد خارنوال موضوع را به محکمه مربوط اطلاع می‌دهد محکمه می‌تواند تجویز اتخاذ شده را لغو و استمرار حبس حکم شده را جایگزین آن نماید.» در کد جزای افغانستان به مجازات جایگزین حبس تحت عنوان (جزاهای بدیل حبس) از ماده ۱۴۸ تا ۱۶۸ به تفصیل پرداخته شده و قانون‌گذار مصادیق مختلف آن را از قبیل دوره مراقبت، جزای نقدی، کار عام‌المنفعه، محرومیت از حقوق اجتماعی و سرانجام حبس در منزل را در ماده مورد توجه قرار داده است.

۳-۱. اهداف

به اعتقاد برخی از نویسندگان حبس خانگی یک مجازات بینابین بوده به این معنا که رنج‌آوری آن بیش از تعلیق مراقبتی و کم‌تر از زندان است. (محمد، آشوری، ۱۳۸۲، ۳۹۳)

لذا سیاست‌گذاران جنایی عمدتاً با قطع نظر از مدلی که به کار می‌گیرند عمدتاً اهداف ذیل را دنبال می‌کنند. از این رو بایستی متذکر شد که علاوه بر اهداف کلی مجازات‌ها در اعمال مجازات حبس در منزل، طرفداران این مجازات به دنبال دو هدف عمده هستند:

۱- انسانی کردن مجازات‌ها ۲- اقتصادی کردن مجازات حبس، لذا در اجرای این مجازات رویکرد انسانی و اقتصادی جلب توجه می‌کند. (محمدجعفر، حبیب زاده، ابوالفتح، خالقی، علی حسین، نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰، ۷) روگردانی از مجازات خشن و احترام به شخصیت انسان‌ها؛ هرچند مجرمان، همواره یکی از اهداف مصلحان اجتماعی بوده است. تا جایی که رده‌های از آن را در اندیشه‌های فیلسوفان قرن ۱۸ و ۱۹ به بعد می‌توان یافت. لکن ظهور آن به شکل قانونی و الزام‌آور اولین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی و دیگر کنوانسیون‌های سازمان ملل نسبت به ممنوعیت مجازات‌های موهن، رفتارهای خشن، غیرانسانی و ناعادلانه تجلی یافته است. ژان پل، کره، ۱۳۸۴، ۴۶-۹۷، این رویکرد به تدریج وارد قوانین اساسی و کیفری کشورها شد و در نتیجه منجر به اصلاح سیستم کیفری آن‌ها گردید. که مجازات جایگزین حبس یکی از آن‌هاست.

یکی از اصلاحات عمده در باب انسانی کردن مجازات‌ها نسبت به رژیم زندان‌ها بود زیرا هدف از زندان محروم کردن بزهکار از حق آزادی است زمانی این مجازات آثار زیان‌بار کمتری خواهد داشت که زندانی پس از آزادی بتواند در مدت کوتاهی به وضعیت عادی برگردد اما توسعه صنعتی و در نتیجه مشکلات ناشی از آن باعث شد که مجرم پس از آزادی مدت‌ها از جامعه دور مانده و این امر باعث از دست دادن شغل و عدم دستیابی به شغل جدید خود شده و این امر موجب سستی و ازهم پاشیدگی نظام خانوادگی او می‌گردد.

از سویی دیگر محیط زندان به اندازه‌ای نامطلوب است که برخی از مجرمین از جمله کسانی که برای اولین بار قدم به زندان می‌گذارد زندان نه تنها موجب بازسازی او نشده بلکه باعث می‌شود که چنین افرادی بسیاری از انحرافات از جمله فساد اخلاقی را از زندان یاد بگیرند. مسلّم است این آثار زیان‌بار مطلوب قانون‌گذار نبوده است. بنابراین دستگاه عدالت کیفری همواره به دنبال ایجاد تعادل و توازن اجتماعی و حذف آثار نامطلوب تلاش می‌کند. تا اعمال مجازات عادلانه و انسانی باشد. لذا هدف از اعمال مجازات حبس در منزل قبل از هر چیزی رعایت حقوق انسانی محکوم و کاهش آثار منفی غیر قابل اجتناب کیفر حبس است؛ چرا که در اعمال این مجازات به محکوم‌علیه اجازه داده می‌شود که آزادانه به فعالیت کاری خود پرداخته و صرفاً اوقات آزاد از وی سلب می‌گردد. (غلام عباس، جوکار، ۱۳۹۳، ۳۶)

علاوه به رویکرد فوق (انسانی کردن مجازات) رویکرد اقتصادی سیاست‌گذاران کیفری را بر آن داشت تا به مجازات حبس خانگی در قبال جرائم سبک رو آورند. زندان سنتی یکی از پرهزینه‌ترین مجازات‌ها در سیستم عدالت کیفری است که از یکسو بر جامعه به‌منظور نگهداری مجرمان در زندان و تأمین نیازهای زندانیان از قبیل محل نگهداری، لباس، غذا، هزینه‌های بهداشتی و درمانی، دستمزد کارکنان اداری و انتظامی همچنین محرومیت جامعه از نیروی عظیم کاری زندانیان تحمیل شده، از این حیث جامعه را با فشار اقتصادی روبرو می‌سازد. این امر در حالی صورت می‌گیرد که روزبه‌روز بر جمعیت زندانیان به‌طور فزاینده‌ای افزوده می‌شود و از سوی دیگر پیامدهای ناگوار اقتصادی که بر خانواده مجرم به دلیل از دست دادن تأمین‌کننده اقتصاد خانواده تحمیل می‌کند لذا حبس خانگی موجب کاهش جمعیت زندانیان و در نتیجه کاهش هزینه آن خواهد شد.

هر چند که نتایج تحقیقاتی که در برخی از ایالت‌ها از جمله کلمبیا، ساسکاچوین و نیوفنلند کانادا انجام شده حاکی از آن است که اقتصادی بودن این نوع مجازات محل تردید است. به این دلیل که مجازات حبس اولاً نسبت به مجرمان کم‌خطر اعمال می‌شود که تعداد آن‌ها اندک است لذا تأثیر چندانی در تعدیل تعداد جمعیت زندانیان نخواهد داشت. (محمدجعفر، حبیب زاده و دیگران، پیشین، ۹) ثانیاً چون بخشی از هزینه مراقبت از محکومان به حبس خانگی (مراقبت الکترونیکی) به عهده متهم است بسیاری از محکومان از این امکان برخوردار نیستند این هم سبب می‌شود حبس خانگی شامل تعداد اندکی از محکومان به حبس شود.

۴-۱. شرایط

بدیهی است که پذیرش مجازات حبس در منزل توسط نظام‌های کیفری به این معنا نیست که کشورها آن را به‌طور مطلق پذیرفته باشد بلکه قانون‌گذار هر کشوری شرایطی را برای اعمال آن در نظر گرفته‌اند. لذا بجاست که به بررسی شرایط حبس در منزل از نگاه قوانین فرانسه، ایران و افغانستان بپردازیم.

در قوانین کیفری فرانسه چنانچه در گذشته نیز به آن اشاره شد، مجازات‌های جایگزین حبس ابتدا در قانون ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۵ اولین نسل از این مجازات‌ها مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفت و چهار دسته به شکل ذیل مورد تصویب واقع شد.

الف) مجازات‌های تبعی یا تکمیلی ماده ۱-۴۳ قانون قدیم.

ب) ممنوعیت از فعالیت حرفه‌ای یا اجتماعی که ارتکاب جرم را تسهیل کرده

است. ماده ۲-۴۳

ج) تعلیق، مصادره یا ممنوعیت از رانندگی برخی وسایل نقلیه، لغو پروانه شکار مصادره یا ممنوعیت از نگهداری یا حمل برخی از سلاح‌ها ۳-۴۳
 د) مصادره ویژه مقرر در ماده ۱۱ قانون جزای قدیم ۴-۴۳
 سپس قانون ۱۰ ژوئن ۱۹۸۳ دومین نسل جایگزین‌ها را شناسایی نمود که عبارت است از:
 الف) کار عام‌المنفعه، ماده ۱-۳-۴۳ قانون جزای قدیم، ماده ۸-۱۳۱ قانون جزای فعلی.

ب) جزای نقدی روزانه ماده ۸-۴۳ قانون قدیم و ماده ۳-۱۳۱ قانون جزای فعلی.
 ج) متوقف ساختن وسایل نقلیه متعلق به محکوم‌علیه بند ۳ مکرر ماده ۳-۴۳ قانون قدیم.

اما در قانون جزای ۱۹۹۴ که در حال حاضر در فرانسه لازم‌الاجراست بحث مجازات‌های جایگزین را نسبت به جنحه و خلاف قابل اعمال دانسته و شامل مصادیق متعدد از قبیل معافیت از کیفر، تعلیق مجازات، آزادی مشروط، نیمه آزادی و دوره مراقبت و... می‌شود که مورد اخیر موضوع بحث در این مقاله است و شامل حبس در منزل و مراقبت الکترونیکی می‌شود که از روح مواد ۶-۱۳۱ و ۷-۱۳۱ قانون مورد نظر به دست می‌آید. اما قانون‌گذار این کشور در قانون آیین دادرسی به صراحت به این موضوع پرداخته است از ماده ۷-۷۲۳ تا ۱۳-۷۲۳ قانون آیین دادرسی را به این مهم اختصاص داده لکن چنانچه در گذشته هم اشاره کردیم این نکته را بایستی مجدداً متذکر شد که قانون فرانسه نیز شرایطی را به‌منظور اعمال مجازات‌های جایگزین مطرح نموده از جمله شرایطی که از ماده ۶-۱۳۱ قانون جزای فرانسه به دست می‌آید به شکل ذیل است.

۱. دادگاه در این خصوص اختیار دارد پس می‌تواند حکم به مجازات جایگزین بدهد و می‌تواند مجازات حبس را اعمال کند.
۲. در صورتی این مجازات‌ها اعمال می‌شود که عمل ارتكابی از نوع جنحه باشد اما اگر عمل ارتكابی از نوع جنایت باشد این مجازات قابل اعمال نیست کما اینکه اگر از نوع خلاف باشد به‌طریق اولی مجازات‌های فوق اعمال خواهد شد.
۳. رضایت متهم نسبت به پذیرش مجازات جایگزین شرط است مثلاً اگر متهم به انجام کار عام‌المنفعه رضایت نداشته باشد نمی‌توان او را ملزم به قبول چنین جایگزین نمود. علاوه بر شرایط فوق قانون آیین دادرسی شرایط دیگری را برای نظارت الکترونیکی مطرح نموده که عبارت است از:
 - محکومیت به یک یا چند مجازات سالب آزادی یافته و مدت کلی آن نباید از دو سال تجاوز کند یا اینکه از مجموع محکومیت دو سال باقی‌مانده باشد.

- قاضی با وجود شرایطی می‌تواند حکم نظارت الکترونیکی را لغو کند مثلاً شرایطی که به دادگاه اجازه داده است که شخص می‌بایست تحت نظارت الکترونیکی قرار گیرد دیگر فراهم نباشد. یا اینکه محکوم از الزامات و محدودیت‌های که نسبت به او اعمال می‌شود راضی نباشد و...
- شرط دیگر این است که بر مبنای قانون فرانسه لغو حکم نظارت الکترونیکی هم با تشخیص قاضی اجرای حکم و هم به درخواست مجرم امکان‌پذیر است. این نکته را باید متذکر شد که این‌ها تمام شرایط در باب نظارت الکترونیک (حبس خانگی) در قانون فرانسه نیست بلکه شرایطی دیگری نیز وجود دارد مثل اینکه نظارت الکترونیکی با کدام مجازات قابل جمع و با کدام یک قابل جمع نیست در قانون مزبور مطرح است که بیان تمام موارد در این مختصر نمی‌گنجد، از این‌رو از ذکر آن خودداری می‌شود.

قانون‌گذار ایران به دلایلی از جمله، جدید بودن این دسته از مجازات (مجازات جایگزین) در قوانین گذشته انعکاس‌چندانی نداشته. چنانچه در گذشته نیز اشاره شد، این موضوع اولین بار در تبصره ماده ۱۴ لایحه‌ی مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان به حبس خانگی پرداخته شد؛ لکن این لایحه از سوی مجلس شورای اسلامی به تصویب نرسید اما برخی از مواد آن در فصل نهم و دهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ گنجانده شد.

بنابراین در حال حاضر مبنای حبس در منزل در قانون ایران ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی و تبصره ۲ ماده ۸۹ همچنین ماده ۸۳ قانون مزبور است. ماده ۶۲ مقرر نموده «در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم) های الکترونیکی قرار دهد. تبصره- دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکرشده در تعویق مراقبتی قرار دهد.» ماده ۶۴ مقرر نموده که «مجازات‌های جایگزین حبس عبارت است از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان...» نسبت به اینکه دوره مراقبت چیست ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته «دوره مراقبت روزهایی است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی^۱ به شرح ذیل محکوم می‌گردد:

۱. ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی ۹۲ مقرر داشته تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است. الف: حضور به‌موقع در زمان و مکان تعیین‌شده توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر ب: ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل‌کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی پ: اعلان هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه.
ب- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال.

پ- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال.

ت- در جرائم غیرعمدی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال» اما تبصره ۲ ماده ۸۹ چنین مقرر نموده «دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد»

قانون‌گذار ایران در مواد ۶۲-۸۳ و تبصره ۲ ماده ۸۹ شرایط حبس خانگی را بیان کرده اما باید توجه داشت که تبصره ۲ ماده ۸۹ عمومیت ندارد صرفاً شامل نوجوانانی می‌شود که سن آنان بین ۱۵ تا ۱۸ سال باشد. با این وجود از مجموع مواد اخیر یعنی تبصره ۲ ماده ۸۹ و ماده ۶۲ و نیز ماده ۸۳ می‌توان شرایطی ذیل را که قانون‌گذار به منظور اعمال این کیفر مدنظر قرار داده را به دست آورد.

۱. مجازات حبس خانگی نسبت به مجرمینی اعمال می‌شود که مجازات آن تعزیر درجه پنج تا هشت باشد، این شرط را قانون‌گذار در ماده ۶۲ و بندهای (الف) (ب) (پ) (ت) ماده ۸۳ به صراحت بیان کرده است.
۲. صدور حکم حبس در منزل از سوی دادگاه به این معنا نیست که دادگاه مکلف باشد بلکه مستفاد از ماده ۶۲ و تبصره ۲ ماده ۸۹ این است که قاضی مخیر است که حکم به مجازات حبس خانگی را صادر کند یا اینکه حکم به زندانی کردن متهم را صادر نموده یا به مجازات دیگر حکم نماید.
۳. مجازات باید مجازات جایگزین حبس یا تحت نظارت الکترونیکی قرار دادن مجرم باید با موافقت و رضایت او صورت گیرد.
۴. تحت نظارت الکترونیکی قرار دادن مجرم بایستی در محدوده مکانی مشخص باشد. به این معنا که او باید بداند در چه مکان‌هایی حق تردد دارد. اما کد جزای

افغانستان در قسمت سوم از فصل دوم تحت عنوان جزاهای بدیل حبس (مجازات‌های جایگزین حبس) را ضمن پنج فرع که عبارت است از:

- احکام عمومی بدیل حبس
- دوره مراقبت
- انجام خدمات عامه
- محرومیت از حقوق اجتماعی
- سرانجام حبس در منزل به بهترین نحو پوشش داده است.

ماده ۱۶۸ قانون مزبور چنین مقرر نموده:

۱. محکمه می‌تواند با رعایت شرایط مندرج در این فصل، محکوم علیه را که مستوجب جزای حبس تا پنج سال باشد به سپری نمودن حبس در منزل حکم نماید.
۲. محکوم به حبس در منزل نمی‌تواند از منزل خارج شود، مگر به اجازه محکمه ذیصلاح، غرض انجام امور ضروری.
۳. مدت حبس در منزل از شش ماه تا دو سال می‌باشد.
۴. حضور محکوم علیه در منزل از طریق وسیله الکترونیکی که در مرکز نظارت بر تطبیق جزاهای بدیل حبس وجود دارد یا توسط مددکار اجتماعی، کنترل می‌گردد.
۵. هرگاه محکوم علیه شرایط حبس در منزل را که قبلاً در حکم محکمه تصریح شده است رعایت نکند، مدت باقی مانده جزای بدیل حبس، به حبس تنفیذی تبدیل می‌گردد.

چنانچه ملاحظه شد قانون‌گذار افغانستان در کد جزا مجازات حبس در منزل را به خوبی و دقت مورد توجه قرار داده است با این همه شرایطی را برای اعمال آن مدنظر قرار داده که خوب است مورد بررسی قرار گیرد.

۱. مهم‌ترین شرط نسبت به اعمال مجازات حبس در منزل این است که جرم باید از جرائم تعزیری باشد زیرا قانون‌گذار در ماده ۲ کد جزا مقرر داشته «این قانون جرائم و جزاهای تعزیری را تنظیم می‌نماید...» لذا حبس خانگی شامل جرائم حدود، قصاص و دیات نمی‌شود. علاوه بر این، حداکثر مجازات جرم ارتكابی تا پنج سال حبس باشد.
۲. شرط دوم که قانون‌گذار به منظور اعمال حبس در منزل مطرح نموده این است که برخلاف نظام‌های حقوقی کشورهای دیگر از جمله آمریکا و فرانسه آزادی مجرم را محدود نموده زیرا فقره ۲ ماده اخیر مقرر داشته (محکوم به حبس در

- منزل نمی‌تواند از منزل خارج شود، مگر به اجازه محکمه ذیصلاح، غرض انجام امور ضروری) لذا بر طبق این قانون مجرم حق ندارد آزادانه به فعالیت اقتصادی و... بپردازد و فقط ساعات فراغتش را در منزل بگذراند بلکه او فقط با اذن محکمه ذیصلاح و آن‌هم برای امور ضروری می‌تواند از منزل خارج گردد.
۳. شرط سوم اینکه در نظام کیفری افغانستان حداقل این نوع حبس شش ماه و حداکثر آن هم دو سال است.
۴. اینکه محکوم به حبس خانگی تحت نظارت به‌وسیله وسایل الکترونیکی که در مرکز نظارت بر تطبیق جزاهای بدیل حبس وجود دارد یا توسط مددکار اجتماعی قرار دارد.
۵. سرانجام شرط پنجم این است که در صورت عدم رعایت شرایط مصرح در حکم مدت باقی‌مانده جزای بدیل حبس به حبس تنفیذی تبدیل می‌شود.

۲- اقسام نظارت و ضمانت اجرای تخطی از مقررات

امروزه عمدتاً نظارت بر مجرمینی که محکوم به حبس خانگی شده‌اند به دو شکل صورت می‌گیرد مهم‌ترین و مترقی‌ترین نحوه نظارت همان نظارت الکترونیکی است هر چند که هنوز هم در موارد بسیاری نظارت توسط مددکار اجتماعی نیز وجود دارد. با این لحاظ بجاست که در این بخش ابتدا بیان مفهوم و نیز بیان انواع نظارت الکترونیکی اشاره نموده و سپس به ضمانت اجرای تخلف از مقررات در این زمینه با توجه به قوانین فرانسه، ایران و افغانستان بپردازیم.

۱-۲ مفهوم و اقسام نظارت الکترونیکی

بدیهی است که نظارت الکترونیکی از دو واژه نظارت و الکترونیکی ترکیب شده که تا حدودی دارای معانی شناخته‌شده در عرف و لغت است. اما آنچه ضروری به نظر می‌رسد این است که به‌منظور درک بهتر موضوع بایستی تعریف اصطلاحی از نظارت الکترونیکی ارائه گردد.

بدون شک تبیین مفهوم نظارت الکترونیک متوقف بر شناخت انواع مختلف و کاربردهای هر یک از این نوع نظارت است. نظارت الکترونیکی می‌تواند از طریق ابزار و وسایل مختلفی صورت گیرد که به‌کارگیری هر یک از آن‌ها ممکن است تهدید بالقوه‌ی برای نقض حریم خصوصی افراد قلمداد گردد. در عین حال این ابزارها به سه دسته تقسیم می‌شود.

۱. نظارت الکترونیکی برای رهگیری اطلاعات اشخاص مانند شنود مکالمات تلفنی.

۲. وسایل الکترونیکی به منظور ضبط صوت و تصویر اشخاص.

۳. وسایل الکترونیکی به منظور تعیین محل و موقعیت مکانی شخص (میثم، عظیمی، ش ۱۹، ۴)

روشن است که از میان این سه دسته، دسته اول و دوم به منظور پیشگیری از جرم کاربرد دارد و در حوزه جرم‌شناسی جای می‌گیرد. اما قسم سوم به عنوان ضمانت اجرای مجازات جایگزین حبس امروزه در نظام کیفری بسیاری از کشورها مطرح است. لذا برخی آن را این‌گونه تعریف کرده که نظارت الکترونیکی به عنوان ضمانت اجرای جایگزین مجازات زندان (به معنایی کنترل و نظارت بر اشخاص از طریق ابزار و وسایل الکترونیکی در محیط خارج از زندان است). (عباس، تدین، ش ۶۴، ۴) تردیدی وجود ندارد که امروزه نظارت الکترونیکی کاربردهای وسیعی نسبت به کنترل منابع انسانی در کارخانه‌ها و ادارات و نیز کنترل اجتماعی از قبیل کنترل ترافیک و... دارد. در دو دهه اخیر نظارت الکترونیک کاربردهایی هم در زمینه مبارزه با بزه‌کاری و کنترل بزه‌کاران پیدا کرده است. (عباس، تدین، همان)

با این وجود هر چند که از نظارت الکترونیک به عنوان تدبیر جدید برای فراهم کردن رعایت قواعد حبس در منزل استفاده می‌شود اما نباید تصور کرد که استفاده از این فناوری تنها راه برای کنترل بزه‌دیده است چه بسا متهمی که محکوم به حبس در منزل است از طریق نظارت الکترونیکی تحت نظر نباشد بلکه از طریق مددکار اجتماعی محکوم تحت نظر قرار گیرد. نکته درخور توجه اینکه نظارت الکترونیک خود یکی از ابداعات و اختراعات بسیار مهم در عرصه حقوق کیفری محسوب می‌شود. علاوه بر اینکه از آن می‌توان در راستای پیشگیری از جرم مانند شنود مکالمات و نیز اجرای مجازات، بهره برد، خود به یک صنعتی پور کاربرد تبدیل شده است.

۲-۲. شیوه‌های نظارت

فناوری که از آن به منظور نظارت بر متهمین حبس در منزل استفاده می‌شود در حقیقت چهار نوع‌اند که عبارت است از:

۱. وسیله علامت دهنده‌ی پیاپی: این فناوری به یک فرستنده و یک شماره‌گیر دریافت‌کننده و یک رایانه نیاز دارد. عملکرد آن به این شکل است که فرستنده در منزل محکوم نصب می‌شود این دستگاه نبود علامت و باز دریافت آن را ثبت نموده و به رایانه منتقل می‌کند رایانه اطلاعات دریافتی با برنامه منع عبور و

مرور متهم مقایسه می‌کند و اگر غیبت غیرمجاز وجود داشته باشد، به مأموران نظارتی هشدار می‌دهد.

۲. وسیله‌ی تماس برنامه‌ریزی‌شده: از طریق خط تلفن که در ساعات نظارت تماس برقرار می‌کند، تماس‌ها ممکن است اتفاقی یا در زمان مشخص باشد.

۳. علامت رادیویی: به مجرم دستگاه کوچکی وصل می‌شود و این دستگاه علامتی را به شبکه رایانه‌ای می‌فرستد.

۴. دستگاه صدا دهنده: به متهم یک دستگاه صدا دهنده ساده متصل می‌شود که به صرف خروج او از محدوده معین به صدا در آمده و این وضعیت را به مرکز منتقل می‌کند (محسن، محدث، ۱۳۸۸، ۵۰)

۲-۳. ضمانت اجرای تخطی از مقررات

چنانچه در گذشته نیز اشاره شد، حبس خانگی که مصداقی از مجازات بینابین است از این رو طرح‌ریزی شده که تنبیهی‌تر از تعلیق مراقبتی فشرده و سهل‌تر از زندان خواهد بود. لذا، حبس در منزل آخرین شانس برای متهم پیش از زندان رفتن محسوب می‌شود. (محمد، آشوری، ۱۳۸۲، ۳۹۳) طبیعی است که تخلف از مقررات مربوط به حبس در منزل خود ضمانت اجرای را در پی دارد به‌طور طبیعی بایستی اذعان نمود که ضمانت اجرای تخلف از مقررات مربوط به حبس در منزل گسیل نمودن مجرم به زندان است که در ذیل از نگاه قوانین مورد بحث، به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

قانون آیین دادرسی فرانسه در هر مورد چه تخلف متهم یا درخواست او یا تشخیص قاضی اجرای حکم مبنی بر اینکه شرایطی که سبب شده بود تا قاضی، حکم نظارت الکترونیکی را صادر نماید دیگر وجود ندارد، قاضی اجرای حکم، حکم نظارت الکترونیکی را لغو و تدبیر نیمه آزادی یا زندان باز را جایگزین آن خواهد کرد.

ماده ۸۱ قانون مجازات ایران نسبت به ضمانت اجرای تخلف از دستورات دادگاه در خصوص مجازات‌های جایگزین مقرر نموده «چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک‌دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار مجازات حبس اجرا می‌گردد» بر اساس مفاد ماده موردنظر در صورت تخلف مرتکب در مرحله اول به میزان مشخص در ماده به مجازات جایگزین افزوده می‌شود لکن اگر برای مرحله دوم تخلف از دستورات تکرار شد مجازات حبس اعمال خواهد شد.

اما کد جزای افغانستان در ذیل بند پنج ماده ۱۶۸ چنین مقرر نموده «هرگاه محکوم‌علیه شرایط حبس در منزل را که قبلاً در حکم محکمه تصریح شده است رعایت

نکند، مدت باقی ماندهٔ جزای بدیل حبس، به حبس تنفیذی تبدیل می‌گردد» بدیهی است که بر اساس این بند از ماده کد جزای افغانستان ضمانت اجرای عدم رعایت شرایط، بازگشت به حبس است.

۳- مزایا و معایب حبس در منزل

بدون تردید مجازات حبس در منزل در عین حالی که از نقاط قوت برجسته‌ای برخوردار است لکن خالی از ایراد هم نیست از این رو لازم است در این بخش به نقاط قوت و ضعف این ضمانت اجرا پرداخته شود.

عمده‌ترین امتیاز مجازات حبس در منزل این است که علاوه بر اینکه منجر به کاهش جمعیت زندان شده و در نتیجه هزینه‌ای به‌مراتب پایین‌تری را نسبت به زندان بر جامعه تحمیل می‌کند؛ مجرم در جامعه زندگی کرده و از این رهگذر پیوندهای اجتماعی او با خانواده، دوستان و کارفرمایان حفظ می‌شود. در واقع مجازات در حبس خانگی نسبت به زندان نمود بیشتری دارد. زیرا، حبس در منزل بازدارندگی، باز اجتماعی شدن و مسئولیت مالی هم‌زمان بکار گرفته می‌شود. (محمد آشوری، پیشین)

جدای از موارد فوق، با اعمال حبس در منزل نسبت به مرتکبین کم‌خطر و همچنین جوانان نوجوانان و عدم گسیل آنان به زندان مانع از تبدیل شدن آنان به بزه‌کاران حرفه می‌شویم زیرا محیط زندان برای این دسته از مجرمین بسیار نامناسب بوده و به تعبیری زندان خود مدرسه بزه‌کاری است. پس حبس در منزل برخلاف زندان که از نظر اجتماعی لکه‌دار کننده و فاسد کننده است هیچ‌یک از این آثار را ندارد. ضمن اینکه این ضمانت اجرا به‌آسانی قابل اجرا بوده و پاسخ‌دهی سریع را نیز به دنبال دارد.

اما نباید فراموش کرد که حبس در منزل هر چند دارای مزایایی زیادی است ولی به این معنا نیست که هیچ ایراد و اشکالی بر آن مترتب نباشد. از جمله اشکالات این ضمانت اجرا می‌توان به این نکته اشاره کرد که مؤثر بودن آن به تدریج کاهش می‌یابد. ضمن اینکه این ضمانت اجرا فاقد جنبه تنبیهی است و از آنجایی که توجه زیادی به نظارت می‌شود ممکن جنبه بازپروری کاملاً نادیده گرفته شود. از همه مهم‌تر اینکه نظارت ممکن است جنبه تجاوز و مداخله به خود گرفته و حریم شخصی متهم را نشانه رفته و آن را مورد تهدید قرار دهد.

نتیجه

مطالعات صورت گرفته حاکی از این است که از یکسو اعمال مجازات زندان به‌عنوان یکی از ضمانت اجرای کیفری بدیل نداشته و اجتناب‌ناپذیر است از سویی دیگر امروزه اهمیت اصلاح ساختار زندان و یافتن مجازات‌های اجتماعی و جایگزین موضوعی نیست که بتوان از آن به‌سادگی گذشت.

زیرا این مجازات پلی بین زندان و آزادی کامل است محکوم ضمن تحمل برخی محدودیت‌ها از آثار مخرب زندان سستی مصون می‌ماند. ضمن اینکه زندانی با حفظ روابط خانوادگی و... به کار اشتغال می‌ورزد و در نتیجه با کسب درآمد هم اقتصاد خانواده را تأمین نموده و هم ضرر و زیان قربانی تأمین می‌کند. با توجه به اینکه مجازات حبس در منزل نسبت جرائم سبک و متهمان کم‌خطر اعمال می‌شود احتمال اینکه خطری جامعه را تهدید کند هم وجود ندارد.

وجود مزایای فوق سبب شده تا سیاست‌گذاران کشورها از جمله قانون‌گذاران فرانسه، ایران و افغانستان به این ضمانت اجرا توجه ویژه‌ای داشته باشند. لذا حبس خانگی در قوانین کشورهای فوق با لحاظ شرایطی به‌عنوان مجازات جایگزین حبس پذیرفته شده هر چند که نباید از نظر دور داشت که شرایط در نظر گرفته شده در بسیاری موارد مشابه و در برخی موارد هم متفاوت است. مثلاً شرایطی چون اختیار دادگاه نسبت به اعطای حبس در منزل، اعمال آن نسبت به جرائم سبک و رضایت مجرم در هریک از قوانین فرانسه، ایران و افغانستان وجود دارد. اما شرط لغو مجازات حبس در منزل در قانون فرانسه به تشخیص دادگاه مبنی بر عدم تأثیر یا عدم تبعیت متهم از شرایط مورد نظر دادگاه و همچنین درخواست متهم مبنی بر لغو حکم مجازات حبس در منزل امکان‌پذیر است. لکن در ایران و افغانستان این ضمانت اجرا تنها در صورت تخلف قابل لغو است.

از دیگر اختلافی که می‌توان به آن اشاره کرد این است که قانون‌گذار افغانستان برخلاف اهداف پیش‌بینی شده در این مجازات، به عدم جواز خروج از منزل مگر با اجازه محکمه و جهت امر ضروری تصریح نموده در حالی که در قانون فرانسه و ایران چنین شرطی وجود ندارد. علاوه بر موارد فوق نسبت به ضمانت اجرای این کیفر نیز تفاوت‌های بین قوانین مزبور به چشم می‌خورد مثل اینکه ضمانت اجرای تخلف در فرانسه گسیل نمودن متهم به زندان باز اما در ایران برای بار اول تشدید مجازات حبس در منزل تا یک‌چهارم و برای بار دوم زندان لکن قانون افغانستان ضمانت اجرای تخلف اعمال حکم تنفیذی یا به عبارتی همان زندان است.

منابع:

- قرآن کریم
- آشوری، محمد؛ جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، گرایش، چ ۱، ۱۳۸۲.۲
- جمعی از پژوهشگران، تاریخچه زندان (سرگذشت شیوه‌های اعمال کیفر در جوامع غربی) تهران، میزان، چ ۱، ۱۳۸۴
- جوکار غلام عباس، جایگزین‌های حبس؛ نگاهی به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، علوم سیاسی، مرداد ۹۳، ش ۲۶۱
- حبیب زاده محمدجعفر؛ خالقی ابوالفتح، نجفی ابرنآبادی علی حسین، مدرس علوم انسانی، ش ۲۱، زمستان ۱۳۸۰
- خوش‌زبان حسین، جایگاه مجازات‌های جایگزین حبس، تهران، شهبازی، چ ۱، ۱۳۹۷
- دانشور وزیر، کوثر؛ حاجی ده آبادی، محمدعلی؛ حبس‌های خارج از زندان و نظارت بر آن، قانون یار، دور دوم، شماره هفتم. پاییز ۱۳۹۷
- سپهری محمد، زندان از دیدگاه اسلام (بررسی مشروعیت، موارد و احکام زندان) بی‌جا، سازمان تبلیغات اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۳
- شاهرودی هاشمی، زندان هنر تنبیه یا مجازات قانونی (بررسی کارکردهای قضایی و اجتماعی زندان از دیدگاه رئیس قوه قضائیه وقت آیت‌الله شاهرودی) تهران، قوه قضائیه، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، چ ۱، ۱۳۸۳
- شاه‌کرمی، نیما؛ حبس خانگی در حقوق کیفری ایران و آمریکا، ماهنامه دادرسی، سال هفدهم، ش ۱۰۲، بهمن و اسفند ۹۲
- شمس زاده علوی، ابوالقاسم؛ ظهور و توسعه جایگزین‌های حبس در ایالات متحده آمریکا، اصلاح و تربیت، بی‌شا، بی‌تا
- طبری محمد ابن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بی‌جا، بنیاد فرهنگ ایران، بی‌تا
- عسکری نسب مهرناز، ابراهیمی غریب‌دوستی رقیه؛ مجازات‌های بینابین از منظر جرم‌شناسی در حقوق کیفری ایران، تحقیقات جدید در علوم انسانی، ش ۲۴، ۱۳۹۶
- کاشفی حسن؛ خالسی محسن؛ کیفرهای جایگزین زندان در حقوق فرانسه، مجله حقوقی دادگستری، بی‌تا
- کاظمی پروین؛ بررسی تطبیقی مجازات‌های جایگزین در کشورهای جهان، (بخش اول) اصلاح و تربیت، ش ۱۷، ۱۳۸۶

- کره ژان پل، دورنمای اروپایی زندان، ترجمه محمدرضا گودرزی و لیلا مقدادی مقدادی، تهران، مجد، چ ۱، ۱۳۸۴
- محدث محسن، مقایسه تطبیقی تأثیر مجازات زندان با مجازات‌های جایگزین، تهران، نگاه بینه، چ ۱، ۱۳۸۸
- میثم عظیمی؛ حسن عبدالله زاده، گستره فقهی حقوقی نظارت الکترونیکی، کارآگاه، دوره دوم، شماره ۱۹